

## نفی حاکمیت::، راهبرد دانشجویان

فواد برومند

تحركات اعتراضی اخیر دانشجویان در مخالفت با صدور حکم اعدام برای هاشم آقاجری، در مقایسه با اعتراضات تیرماه ۷۸ یک گام به جلو محسوب می‌شود، و دقیقاً به همین دلیل است که «متولیان» دوم خردادی جنبش دانشجویی نظیر حسین رضوی فقیه، ژورنالیست جبهه مشارکتی و عضو دفتر تحکیم وحدت، به وحشت افتاده‌اند که «مبادا جنبش اجتماعی بویژه جنبش دانشجویی از مرزهای حداکثری اصلاحات عبور کند.» (۱)

با افول ستاره‌ی قهرمانان اصلاح طلب پس از رخدادهای تیرماه ۷۸ و در پی آن چندپارگی جبهه دو خرداد پس از کنفرانس برلین، وقایع خرم آباد و همدان و . . . و همزمان، اوج گیری مبارزات مردم در گوشه گوشه‌ی ایران بر ضد کلیت رژیم (که تجلی آن اعتراضات کارگران و معلمان و پرستاران بود) نه تنها مدعیان رهبری جنبش دانشجویی هژمونی نسبی خود را از دست دادند و دو پاره شدند (۲) بتدریج جریان‌ات اپوزیسیون نما نیز که دگراندیشی‌شان ملغمه‌ای از اسلام و ناسیونالیسم عقب مانده‌ی شرقی است و در تشکیل و استقرار جمهوری اسلامی نقش بسزایی داشته‌اند، در نظر جنبش دانشجویی بیش از پیش مدافع وضع موجود ارزیابی شدند و در نتیجه، پتانسیل لازم برای «صورت بندی و تئوریزه کردن مطالبات دانشجویان به نحو صحیح و واقع بینانه» (۳) را از دست دادند.

اگر تا دیروز ملی-مذهبی‌ها در میان دانشجویان گوش شنوایی می‌یافتند، امروز دیگر امثال ابراهیم یزدی که طرح «وفاق ملی» اش را نه «حاج آقا عسگر اولادی» مؤتلفه جدی گرفت نه «دکتر خاتمی» جبهه مشارکت، و امثال «مهندس سبحانی» که پس از آزادی از زندان هر جا تریبونی می‌یابد به تمام مقدسات قسم می‌خورد که «برانداز» نیست و «دلسوز نظام و انقلاب» (البته از نوع اسلامی‌اش) است، اگر در جمع دانشجویان با اعتراض مواجه نشوند قطعاً با بی‌اعتنایی روبرو خواهند شد.

---

۳،۱ و ۴\_ گفتگوی حسین رضوی فقیه با ایسنا

۲\_ اختلافات درونی دفتر تحکیم که در نشست‌های دانشگاه علامه و دانشگاه شیراز نمود یافت حاصل تبری جویی بخشی از آنان از «اصلاح طلبان حکومتی» بود.

جنبش دانشجویی با گذر از فاز «نقد حاکمیت» دگراندیش پسند، امروز با خواستهایی بسیار مشخص تر و پیشروتر در میدان حاضر شده و بسرعت وارد فاز «نفی حاکمیت» می شود. اگر تا دیروز عده ای می خواستند بر اساس تعالیم «مارتین لوتر جهان شیعه»، عبدالکریم حاج فرج دباغ (همان دکتر سروش عضو شورای انقلاب فرهنگی که مصوبات اش زندگی هزاران جوان را تباه کرد) از ترکیب لیبرالیسم و اسلام مردمسالاری دینی اختراع کنند، امروز جدایی دین از دولت خواست قاطبه ی دانشجویان و به طریق اولی، اکثریت مردم ایران است. اگر تا دیروز لبخندهای ملیح و ریشه های «آنکادر» پرزیدنت خاتمی مظهر پلورالیسم اسلامی بود، امروز دانشجویان با شعارهایشان کل آخوندیسم رژیم را هدف گرفته اند.

تداوم تحرکات اعتراضی روزهای اخیر نشان می دهد دانشجویان در تغییر وضع موجود مصمم اند اما جنبش دانشجویی برای گام نهادن به فاز بعدی، ناگزیر است به طرح مطالباتی بنیادی تر نظیر آزادی بی قید و شرط بیان، تجمع و تشکل، برابری زن و مرد، جدایی دین از عرصه ی آموزش و پرورش، لغو مجازاتهای غیرانسانی نظیر اعدام و سنگسار و . . . (همان مطالبات انباشته و پاسخ نگرفته ای که از دید تحکیم وحدتیها علت مطرح شدن «برخی شعارهای تند» (۴) بوده است) بپردازد و به مقطع تعیین تکلیف نهایی با ارتجاع حاکم نزدیک و نزدیک تر شود.

در شرایط کنونی است که دانشجویان پیشرو و آزادیخواه با بلند کردن پرچم سرخ، پرچم سوسیالیسم، خواهند توانست توان بالقوه جنبش دانشجویی را در مسیر آزادیخواهی و برابری طلبی به فعلیت درآورند. در نهایت، پیوند خوردن مبارزات دانشجویان با مبارزات حق طلبانه ی کارگران و زحمتکشان است که تعیین می کند مبارزه ی جنبش دانشجویی تا چه حد در متن جنبش انقلابی مردم ایران برای سرنگونی ارتجاع صورت گرفته یا به آن بی ربط بوده است؛ چراکه نقش جنبش دانشجویی به مثابه همسنگر جنبش طبقه ی کارگر طبقه ی منادی آزادی و برابری - انکارناپذیر و حیاتی است. روزهای آتی نشان خواهد داد فعالان کمونیست در درون جنبش دانشجویی تا چه حد در ایفای این نقش موفق بوده اند.

---

۳،۱ و ۴- گفتگوی حسین رضوی فقیه با ایسنا

۲- اختلافات درونی دفتر تحکیم که در نشست های دانشگاه علامه و دانشگاه شیراز نمود یافت حاصل تبری جویی بخشی از آنان از «اصلاح طلبان حکومتی» بود.